

عنوان	افزایش نرخ سود سپرده های بانکی ، به بیش از 20 درصد تاثیر مثبتی بر طرحهای تولید کشور می گذارد.
نویسنده	
مترجم	فرشاد نیک جمال – کارشناس امور مالی

با تصویب شورای پول و اعتبار و تایید ریاست محترم جمهور ، نرخ سود سپرده های بانکی از هفته آینده به بیش از ۲۰ درصد افزایش یافت.

شورای پول و اعتبار تصمیم گرفت نرخ سود سپرده های بانکی را مطابق با نرخ تورم برای ادامه سال تغییر دهد، افزود: از آنجایی که هم اکنون نرخ تورم ۶,۶ درصد است شورای پول و اعتبار تصمیم گرفت نرخ سود سپرده های بانکی بالاتر از نرخ تورم تعیین شود.

نرخ سود سپرده های بانکی افزایش یافت تا نسخه ای باشد برای بیماری سرگردانی نقدینگی در اقتصاد تحت درمان کشور. با توجه به اینکه بسیاری از مدیران بانکها و اقتصاد دانان تورم حاصل از رشد دلار را پیرامون سرمایه های سرگردان می دانند، معتقدند که افزایش نرخ سود سپرده مردم در بانکها نقش بسزایی در هدایت سرمایه های سرگردان به سمت سپرده در بانکها و رشد سرمایه گذاری در طرح های تولیدی کشور خواهد داشت. بازار سیاه ارز و طلا از بین می رود.

چرا نباید نرخ سود بانکی پائین باشد؟

- با کاهش نرخ سود بانکی این امکان وجود دارد که افرادی که بانک را محلی برای پس انداز خود انتخاب کرده بودند، سپرده های خود را از بانکها خارج کنند و آن را به سمت بازارهای دیگر انتقال دهند و با این کار، منابع بانکها را کاهش دهند و بانکها که با کاهش نرخ بهره با افزایش تقاضا برای تسهیلات روبهرو شده اند، منابع کافی برای اعطای تسهیلات نداشته باشند.

- با کاهش نرخ سود، سرمایه ها به سمت بازارهای غیرمتشکل پولی نظیر طلا، ارز، بورس اوراق بهادار و خرید و فروش اتومبیل و مسکن و... روانه می شود و در این بازارها نوسان به وجود می آید و با ایجاد عدم تعادل در این بازارها، سبب افزایش قیمت گردیده و باعث تورم می شود.

- کاهش نرخ های سود بانکی موجب می شود شکاف بین نرخ های سود در بازارهای رسمی و بازارهای غیررسمی پول افزایش یابد و انگیزه کارهای نامشروع مالی را در جامعه بیشتر خواهد کرد.

- کاهش نرخ های سود تسهیلات به دلیل افزایش شکاف بین نرخ های رسمی و نرخ های بازار غیررسمی پول، موجب افزایش انگیزه های فساد اداری در بانکها خواهد شد و رانت های اقتصادی را بیشتر خواهد کرد. در این وضعیت، کارآفرینان واقعی کنار زده می شوند و رانت جویان به میدان می آیند و منابع پولی را کسانی در اختیار می گیرند که به انحاء مختلف، به منابع پولی بانکها دسترسی دارند و انگیزه های کسب سود، مانع از تخصیص

بهینه منابع به بخش‌های تولیدی خواهد شد و بانک‌ها نیز برای کنترل آن برای تقویت سیستم‌های نظارتی و بازرسی خود مجبور به صرف هزینه‌های پرسنلی و اداری بیشتری خواهند شد.

سرانجام با افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی به بیش از 20 درصد، قرار است با این نسخه نقدینگی حافظه‌اش را به دست آورده و به جایگاه اصلی خویش یعنی بانک بازگردد. آیا می‌توان با همین تک نسخه مطمئن بود که همه چیز آرام خواهد شد؟ با اتفاقاتی که در سال جاری رخ داده به نظر می‌رسد برای رسیدن به چنین اطمینانی باید بسته‌ای جامع‌تر تدارک دید. بسته‌ای که علاوه بر بازار پول، شامل راهکارهایی در خصوص بازار سرمایه و مسکن نیز باشد.

بازار سرمایه به عنوان محل تلاقی دارندگان نقدینگی اضافی و بنگاه‌های نیازمند به منابع مالی در صورت برنامه ریزی صحیح می‌تواند نقش مهمی در جذب نقدینگی و بکارگیری آن در صنعت ایفا نماید. بنابراین به دو دلیل باید بازار سرمایه بیشتر مورد توجه قرار گیرد. اولاً این که به دلیل تزریق مستقیم منابع مالی به واحدهای تولیدی این منابع با کمترین هزینه در اختیار صاحبان صنایع قرار خواهد گرفت و در این شرایط که بنگاه‌ها همچنان تحت فشار افزایش قیمت حامل‌های انرژی هستند و با افزایش نرخ تسهیلات فشار مضاعفی را متحمل خواهند شد، اهمیت بیشتری می‌یابد. ثانیاً دولت باید برای افراد و سلاقی مختلف گزینه‌های سرمایه‌گذاری مناسب را پیشنهاد دهد. طبعاً افرادی که ریسک و بازده بالاتر را ترجیح می‌دهند، حتی با وجود افزایش نرخ سپرده‌های بانکی تمایلی به سپرده‌گذاری در بانک‌ها نخواهند داشت. بازار سرمایه می‌تواند برای این افراد جذابیت بالایی داشته باشد.

معافیت کامل مالیاتی شرکت‌های بوری، می‌تواند موجب افزایش جذابیت بازار سرمایه برای سرمایه‌گذاران و افزایش تمایل شرکتهای خارج بورس برای ورود به بورس و استفاده از ظرفیت‌ها و مزایای این بازار گردد. سیاست کاهش مالیات بر تولید به دلیل افزایش نرخ بازدهی بنگاه‌های اقتصادی، منجر به افزایش امکان رقابت بازار سرمایه با سایر گزینه‌های سرمایه‌گذاری گردیده و صاحبان منابع را ترغیب به حضور بیشتر در این بازار خواهد نمود. از سوی دیگر به دلیل افزایش سود شرکت‌های بوری شاهد تشکیل حباب در این بازار خواهیم بود. چرا که بر خلاف طرح‌هایی چون پرداخت وام برای خرید سهام، در این طرح جذابیت بازار به طور واقعی افزایش یافته و رشد قیمت‌ها ناشی از افزایش سود بازار خواهد بود.

ایرادی که در این طرح به نظر می‌رسد این است که اساساً کاهش مالیات یک سیاست مالی انبساطی است و موجب افزایش بیشتر نرخ تورم می‌گردد.

برخی نیز خواهند گفت که با اجرای این طرح درآمد دولت از محل مالیات کاهش خواهد یافت و افزایش کسری بودجه دولت و مصائب متعاقب آن حاصل خواهد شد. در جواب باید گفت که درآمد دولت از محل مالیات شرکتهای بوری سالانه حدود 20 هزار میلیارد ریال است که در قیاس با رقم نقدینگی 3500 هزار میلیارد ریالی ناچیز است. از سوی دیگر باید توجه داشت که تنها 25 درصد بازار سرمایه در اختیار بخش خصوصی است و بخش قابل توجهی از سهام شرکت‌های بوری در اختیار دولت و شرکت‌های شبه دولتی است. بنابراین بخش زیادی از مالیات اخذ شده از شرکت‌های بوری، در واقع از شرکتهای دولتی اخذ می‌شود. از سوی دیگر، بخشی از درآمد مالیاتی دولت وابسته به حجم معاملات بورس است که شامل مالیات مستقیم دریافتی از فروشندگان اوراق بهادار و مالیات بر درآمد شرکت‌های کارگزاری است. بدیهی است با جذابیت بیشتر بورس و ورود شرکتهای جدید به بازار، افزایش حجم معاملات می‌تواند درآمد دولت از محل این پایه مالیاتی را افزایش دهد.

همچنین با رونق بازار سرمایه دولت می تواند از طریق واگذاری سهام شرکت های دولتی بزرگ مانند هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس نقدینگی قابل ملاحظه ای را جمع آوری نموده، اهداف خصوصی سازی را محقق ساخته و از حبای شدن بازار نیز جلوگیری نماید.

در مجموع به نظر می رسد در شرایط فعلی اجرای این طرح موجب جذب بخشی از نقدینگی فراوان جامعه، افزایش توان بنگاه های اقتصادی، رونق تولید و اشتغالزایی، کاهش فشار به منابع بازار پول برای تامین مالی خواهد شد.

بنابراین می توان گفت: یک بسته جامع شامل سیاست های پولی و مالی منسجم می تواند تا حد زیادی از التهاب اقتصاد ایران بکاهد و ضربان های اقتصاد را تنظیم نماید. معافیت کامل مالیاتی شرکت های بورسی، افزایش نرخ سود بانکی متناسب با تورم، استفاده از بازار منسجم بورس برای معاملات ارز و طلا و تعیین افراد مجاز به مصاحبه در خصوص سیاست های اقتصادی دولت به منظور جلوگیری از تنش های روانی حاصل از مصاحبه های افراد متعدد می تواند نقدینگی را کنترل و هدایت نماید